

سرمقاله

جنگ های بهاری در شمال کلید خورد

حفیظ الله زکی

همین چند روز پیش طالبان تهدید کرد که حملات بهاری خود را آغاز می کند. این تهدید، اما با سقوط دندغوری و حمله وسیع بر ولایت کندز شکل عملی به خود گرفت و جنگ بهاری طالبان را در شمال کلید زد. در سال های گذشته حملات بهاری بیشتر از جنوب آغاز می شد، ولی از یک سال به این طرف جنگ های جبهه ای طالبان در شمال به صورت بی وقفه ادامه داشته است. آغاز حملات بهاری طالبان از شمال که با سقوط دندغوری منجر شد، نشان می دهد که امسال نیز توجه طالبان و گروه های هراس افکن بیشتر بر ناامین سازی ولایت های شمال متمرکز خواهد بود. سال گذشته ولایت کندز سقوط کرد و زمستان گذشته سقوط دندغوری سبب تخریب پایه های برق گردید و کابل را به مدت زیادی در تاریکی فرو برد. هنوز دو ماه از آزادی دندغوری از وجود طالبان نگذشته که باردیگر این منطقه حساس و استراتژیک در مدت پنج ساعت در تصرف طالبان در آمد. مردم از همین حالا نگرانی دارند که طالبان با تخریب پایه های برق، یکبار دیگر کشور را با بحران تاریکی مواجه سازد. تاریکی پایتخت علاوه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی، اقتدار حکومت مرکزی را زیر سؤال می برد و ضعف و ناتوانی حکومت را در مقابله با هراس افکنان آشکارا به نمایش می گذارد.

پرستش مهم اینجاست که با وجود تهدیدات علنی دشمن؛ چرا بازم یک ولسوالی و منطقه استراتژیک در مدت چند ساعت سقوط می کند؟ این تجربه ناکام در سال گذشته بارها تکرار شد. نیروهای امنیتی بجای راه اندازی حملات تهاجمی منتظر می ماندند، تا طالبان حمله کنند. با حمله طالبان هم متأسفانه کمترین مقاومتی از سوی نیروهای امنیتی صورت نمی گرفت، حتی در برخی مناطق نیروهای امنیتی قادر به فرار و عقب نشینی هم نمی شدند و در نتیجه به صورت دسته جمعی به اسارت طالبان در می آمدند.

در اثر سیاست های ضعیف و ناشفاف امنیتی، تعدادی از ولسوالی ها سقوط کرد و تعدادی از مناطق در قلمرو طالبان اضافه شده است. این مساله شک و تردیدهای بسیاری را سبب گردید. با آغاز سال جدید و آغاز جنگ جدید، مردم انتظار می کشیدند که حکومت برای سسال جدید چه پلان های را در سر دارد. آیا بازم مانند سال گذشته حالت تدافعی به خود گرفته و از حمله های ضربتی و پیشگیرانه به پایگاهها و مراکز تجمع طالبان خودداری می کند؟

دری همین انتظار حکومت اعلام داشت که در سال جدید نیروهای امنیتی حملات تهاجمی خواهند داشت و دیگر به گروه طالبان اجازه نخواهد داد که مناطق بیشتری از خاک افغانستان را تصرف کنند. مسئولان امنیتی البته برای همه اطمینان دادند که دیگر با کسانی که با حکومت و مردم افغانستان می جنگند، به عنوان دشمن برخورد خواهند شد و این نیروها در همه حال قدرت مقابله با تهدیدات دشمنان را دارند.

سقوط دندغوری و حمله بر ولایت کندز؛ اما خواب آلودگی و بی برنامه گی نیروهای امنیتی را در آغازین حملات بهاری به نمایش گذاشت. سقوط دندغوری در چند ساعت هرگز به لحاظ نظامی قابل توجهی نمی باشد. گفته می شود که در زمان حمله طالبان؛ اول، تانک ها و موتورهای نیروهای امنیتی تیل و روغن نداشته است؛ بنابراین آنها مجبور به عقب نشینی می شوند. دوم، نیروهای اردوی ملی، پولیس را مورد حمایت قرار نداده است.

سال گذشته نیز نبود تیل و هماهنگی میان نیروها، سبب گردید که تعدادی از نیروهای امنیتی در ولایت بدخشان به دست طالبان بیفتند و بیرحمانه سر بریده شوند. آیا وزارت دفاع و داخله از مصرف تیل در قرارگاه های نیروهای امنیتی نظارت دارند؟ آیا وزارت های داخله و دفاع قادر به تأمین امکانات و از جمله تیل تانک ها و موتورهای نیروهای امنیتی نیستند و یا تیل به صورت غیر قانونی در بازارها به فروش می رسند. در گذشته گزارش های زیادی از فروش غیر قانونی تیل و سایر امکانات اردو و پولیس ملی به نشر رسید؛ اما آیا وزارت های داخله و دفاع این امر را جدی گرفتند و آیا راهکارهای نظارت دقیق از مصارف تیل را مدنظر قرار دادند؟

در روز های نخست آغاز بکار حکومت وحدت ملی یکی از برنامه های بنیادی و استراتژی حکومت نوپای وحدت ملی موضوع مبارزه با فساد اعلام گردید. این برنامه و استراتژی با چنان آب و تاب و لعاب و جدیتی طرح گردید که آب از دهان خلائق جاری گردید و همه افسوس خوردند بر آن همه سال های که در هجران چنین روز های زجر و فشار فساد را متحمل گردیدند. در این راستا حکومت نوپای وحدت ملی بدون فوت وقت قضیه کابل بانک را به عنوان بزرگترین پرونده فساد اداری در کشور روی دست گرفت، اما تاکنون نزدیک به دو سال از آن می گذرد، هیچ نتیجه مطلوب و عادلانه ای در ارتباط با آن مشاهده نمی شود؛ پس از آن اختلاس در وزارت شهرسازی، قاچاق سنگ های قیمتی از هرات و کوتاه ساختن دست های غارتگران از معادن و منابع مالی و گمرکی کشور مطرح گردید؛ ولی این موارد هم نیز فقط در سرتیتر خبر ها و عناوین رسانه ای به رسم یادگاری باقی ماند، موارد یاد شده و وضعیت تکان دهنده فساد در ساختار اداری کشور همه حکایت از آن دارد مدیریت سیاسی کشور برای ایجاد حکومت داری و اقدام هایش در مبارزه با فساد کار ساز نبوده است. راهی که تاکنون حکومت وحدت ملی برای ایجاد اصلاحات و مبارزه با فساد پیموه است، راه درست و روشی راهبردی و نتیجه بخش نبوده است.

با درد و تأسف باید گفت فساد اداری در ساختار حکومت افغانستان از چالش های اساسی بشمار می آید که بر تمامی عرصه های جامعه سایه افکنده است. با توجه به وقایع که در امر مبارزه با فساد از سال های گذشته وجود دارد؛ هم چنین با توجه به شناختی که از کفایت و توانایی مقامات ذریط وجود دارد، و نیز با در نظر داشت ساختار مافیایی که در بدنه نظام سیاسی و مناسبات حاکم بر آن، در عرصه داخلی و بین المللی مشاهده می شود، این پرسش مطرح می شود که واقعا موضوع مبارزه با فساد یک استراتژی است یا یک بازی سیاسی؟ چنین پرسشی از آنجا حایز اهمیت است که حکومت وحدت ملی یکی از مدعیات خود را مبارزه با فساد اعلام نموده و جامعه جهانی نیز حمایت های خود

را منوط به این موضوع دانسته است. فرض براین بگیریم که حکومت وحدت ملی در این راستا دارای طرح و استراتژی باشد، چه تضمین هایی در رابطه با عملی شدن این استراتژی وجود دارد؟ وقتی که اساس تکان دهنده فساد در ساختار اداری کشور همه حکایت از آن دارد مدیریت سیاسی کشور برای ایجاد حکومت داری و اقدام هایش در مبارزه با فساد کار ساز نبوده است. راهی که تاکنون حکومت وحدت ملی برای ایجاد اصلاحات و مبارزه با فساد پیموه است، راه درست و روشی راهبردی و نتیجه بخش نبوده است.

با درد و تأسف باید گفت فساد اداری در ساختار حکومت افغانستان از چالش های اساسی بشمار می آید که بر تمامی عرصه های جامعه سایه افکنده است. با توجه به وقایع که در امر مبارزه با فساد از سال های گذشته وجود دارد؛ هم چنین با توجه به شناختی که از کفایت و توانایی مقامات ذریط وجود دارد، و نیز با در نظر داشت ساختار مافیایی که در بدنه نظام سیاسی و مناسبات حاکم بر آن، در عرصه داخلی و بین المللی مشاهده می شود، این پرسش مطرح می شود که واقعا موضوع مبارزه با فساد یک استراتژی است یا یک بازی سیاسی؟ چنین پرسشی از آنجا حایز اهمیت است که حکومت وحدت ملی یکی از مدعیات خود را مبارزه با فساد اعلام نموده و جامعه جهانی نیز حمایت های خود

مبارزه با فساد؛ سنگ کلان ...

عبدالله هروی



خوب با بد، فاجعه بار و یا سعادتمند ... را رقم زند. این نقطه محوری «فساد» است. موفقیت در امر مبارزه با فساد بطور قطع آینده و فرجام را به زیباترین شکل ممکن که آرزو برده می شود رقم زند؛ در غیراین صورت، یعنی ناکامی در مبارزه با فساد تبعات بسیار فاجعه باری را بر جامعه و آینده آن تحمیل خواهد کرد. بدین جهت می توان گفت که از هرگونه برنامه و اقدامی بسرای ایجاد اصلاحات در کشور، بخصوص مبارزه با فساد استقبال می کند و ولی بر این نکته همواره تأکید می گردد که انجام اصلاحات و مبارزه با فساد بایستی در پرتو شفافیت و عزم ملی و انگیزه داخلی صورت گیرد نه در اثر فشار بیرونی و مصلحت سنجی های سیاسی. اگر چنین نباشد احتمالی مقطعی بوده و آینده ای برای آن مترتب نخواهد بود. حال آیا حکومت وحدت ملی برای رسیدن به چنین هدفی اساسی استراتژی واقعی و قابل تطبیق را در دست دارد تا به مشکل مطلوب آن به اجرا بگذارد و کشور را از ورطه بدنامی و سیرقهرقراپی آن نجات بخشد.

در این راستا به تازگی گفته شده است که حکومت وحدت ملی تصمیم دارد نهادی تازه برای مبارزه با فساد ایجاد نماید. رییس

کابل برگزار شد. فرستاده خاص سازمان ملل برای افغانستان، سفرا و نمایندگان کشورهای کمک کننده از اعضای این نشست بودند. آن ها در این نشست گفتند که از حکومت افغانستان انتظار دارند تا خاص ملل متحد برای افغانستان گفت دولت افغانستان با چالش های زیادی مواجه است که مهم ترین آن ها فساد اداری می باشد. حال پرسش این است که آیا واقعا با ایجاد نهادهای متعدد و در بسیاری موارد موازی می توان روند گسترش فساد را متوقف کرد و با پدیده فساد اداری مبارزه کرد؟ همانطور که پیشتر گفته شد آیا فقط با انگیزه بیرونی و چشم داشت به حمایت بیرونی ها می توان شفافیت را در ساختار اداری کشور بوجود آورد؟ نکته مهم تر این که چرا همه را دعا به دفتر ریاست جمهوری ختم گردد؟ آیا این روند تمرکزگرایی شدیدی که اکنون در پیش گرفته شده است، خودش منجر به تولد بیشتر فساد نخواهد شد؟ مگر غیاز این است که تجربه جهانی وتاریخی ادراک و سیاست نشان داده است که تمرکز قدرت و تصمیم گیری و عدم اعتماد به زیر مجموعه ها، خود موجب فساد و دیکتاتوری خواهد شد؟ مگر رئیس جمهور چقدر فرصت و توانایی و دانایی دارد که تمامی عرصه های حکومتداری را یک تنه و بدون اعتماد به دیگران رهبری و مدیریت نماید؟ اگر چنین است چه نیاز به این همه ساختارهای عریض و طویل اداری و تحمیل هزینه های گزاف و بودجه سنگین؛ بنابراین توقع می رود که مسئله مبارزه با فساد پیشتر از همه باید متکی به یک اراده و انگیزه داخلی و ملی باشد. دوم این که سعی گردد مراجع و نهادهای ملی و داخلی را راستا شریک ساخته شده و فضای قابل اعتماد بوجود آید، یعنی ساختاری روشنمند باشد نه متکی به فرد، ما به ساختار عادلانه ضرورت داریم. سوم این که عوامل و زمینه های فساد شناسایی و به تدریج وادار به حذف و شفاف رفع گردد، در غیراین صورت چندی بعد شاهد خواهیم بود که چه قراردادهای اسنادی مربوط به فساد مالی واداری به امضای رئیس جمهور مزین خواهد شد.

حاصل نماید. پارلمان باید طرق خاصی را بسرای پرداختن به مسائل و موضوعات امنیت کشوری بیابد که مرزها و محدودیت های کنونی صلاحیت ها و اختیارات را در هم نریزد و مکانیزم های نظارتی تازه تری را نیز خلق کند. از آن جایی که پارلمان، انتخابی ترین نهاد حکومت می باشد، آن نوع سامان ها و خط مشی های قوه مجریه که تأمین کننده سبزه ای از دیدگاه های پارلمان باشد بهتر و بیشتر حمایت عمومی را جلب خواهد نمود. سرانجام برای آن که پارلمان بتواند بسا حداکثر کارایی با قوه مجریه همکاری نماید باید با گروه فراگیری از پیشستانان عرصه های علم، اقتصاد بین الملل، دفاع، اطلاعات، و دیگر زمینه های امنیتی به مشورت بپردازد. (۲۶)

به هیچ گاه در یک جهان عاری از مخاطره نخواهیم زیست، و یک استراتژی ملی جامع امنیتی نیز این جهان را تغییر نمی دهد. هدف ما آمادگی برای به شکست انجامیدن تهدیدات احتمالی است. طراحی یک استراتژی مشکل است و اجرای آن مشکل تر خواهد بود، اما به سه حال ما باید آن را انجام دهیم. آینده رویداد پذیر است. روند امور و اوضاع کشور، منطقه و جهان در سال های آتی را مجموعه ای از تصمیمات خرد و کلان تعیین می کند که بیشتر آن ها هنوز اتخاذ نشده اند. اما به هر حال، نگریستن به آینده، هر اندازه هم که دشوار باشد، ضروری است، چرا که خطرات آن قدر زیادند که حتی تلاش و کوششی اندک (برای آینده نگرایی) بهتر از عدم تلاش و تکاپو است. (۲۷)

در این شرایط به نظر می رسد که فعالیت موفق در چهارچوب امنیتی جدید مستلزم شناخت آشکار روابط تعارض آمیز و اثرات غیرقابل اجتناب انتخاب ها در این محیط پیچیده و سیال است. رهبران بایستی از تفکر ثابت، خطی و یک بعدی امنیتی با این تصور غلط که چنین رفتاری در سایر امور مرتبط با دفاع اثر مهمی ندارد، احتراز کنند و مردم در ارزیابی این سیاست ها بایستی تضاد در هدف ها و وسیله ها را ببینند و دنبال استراتژی های امنیتی سیاه و سفید و نتایج کاملا آشکار نباشند. به علاوه ارزیابی دقیق تضادها و روابط تعارض آمیز برای توجه به تغییر در سیاست امنیت ملی مهم است. بدین منظور هر کشور در جهت آمادگی برای رفع مخاطرات باید با شناخت لایه های گوناگون امنیتی و استفاده از عوامل تعیین کننده استراتژی امنیت ملی برای آینده خود برنامه ریزی نماید و در مرحله بعد از همه ظرفیت های خود بسرای بازنگری و اجرای موثر آن بهره گیرد.

منبع: سایت باشگاه اندیشه روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

استراتژی امنیت

قسمت پنجم و پایانی

میزبان توانمندی هر کشور و چگونگی کاربرد نجبان آن کشور از این توانایی ها مهمترین عامل تعیین کننده سطح آن عین حال اقدامات فزاینده دولتی و خصوصی برای تقویت فرآیندهای امنیتی در محدوده شبکه های حمل و نقل و تدارکات بین المللی که افراد و کالاها را به کشور انتقال می دهند نیز از اهمیت اساسی برخوردارند.

نظام های هوشیار امنیت و مراقبت مرزی، سوسمین ابزاری هستند که می توانند از ورود آن دسته از عوامل حمله که در خارج شناسایی و متوقف نشده اند جلوگیری نمایند. افزایش توان آژانس های کنترل مرزی در زمینه شناسایی و رهگیری تهدیدات بالقوه - بدون ایجاد موانعی در مسیر تجارت و رفت و آمد- در این زمینه حایز اهمیت است.

همچنین پیشگیری از حملات، برخورداری از توانمندی وارد آمدن ضربات دوربرد را اقتضا می کند. کشور باید با نشان دادن قاطعیت خود در استفاده پیشگیرانه از نیروهای نظامی به هنگام ضرورت، سیاست بازدارندگی خود را تقویت نماید.

فعالیت های متعدد و متنوع در زمینه حفاظت از میهن باید در درون یک نظام کلی حفاظتی که با افزودن منابعی تقویت شده باشد، تلفیق گردند. حفاظت از زیر ساخت های مهم و حساس کشور و فراهم آوردن امنیت باید تداوم یابد و نیز شامل شود: -ارزیابی های پیشرفته در زمینه اخبار و هشدار و حمله؛ -یک نظام هشدار دهنده که دربرگیرنده گزارش دهی داوطلبانه و فوری در مورد حملات بالقوه باشد، به گونه ای که سایر تأسیسات را که احتمالا هدف قرار خواهند گرفت قادر سازد اقدامات و تدابیر حفاظتی بهتری اتخاذ نمایند؛ و -در نظر گرفتن سیستم های پیشرفته برای متوقف کردن حملات و برقراری سرویس جایگزین.

برای بخشی از مدیریت، نخستین اولویت باید ارتقا و تقویت قابلیت های واکنش و پاسخ دهی باشد. این گروه باید به لوازم کافی دسترسی داشته باشند. رهنمودها و روندهای اجرایی باید تعریف و ابلاغ گردیده و از طریق شبیه سازی ها و تمرینات به اجرا گذاشته شوند. توانمندی های ارتباطاتی قابل استفاده، مقاوم و فراوان در مقابله با هر نوع فاجعه، نیز حائز اهمیت بسیاریند. (۲۲)

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسئول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکنان: خالق علی زاده
دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷



روزنامه
افغانستان
The Daily Afghanistan
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper